

چهره امنیتی مناقشه حقوق بشری ایران و غرب

مسعود نادری^۱ - فرزاد رستمی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

چکیده

موضوع حقوق بشر از جمله دستاوردهای بنیادین حقوق و روابط بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری با هنجارها و ایدئولوژی متفاوت نسبت به هنجارهای شکل دهنده به حقوق بشر، همواره در معرض اتهامات مختلفی از سوی کشتگران و نهادهای حقوق بشری بوده است. تا جایی که این موضوع از ماهیت حقوقی خارج شده و در چارچوبی امنیتی و سیاسی مطرح شده است. حال این مقاله در پی آن است که با بررسی پرونده حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران و سپس بررسی وضعیت کنونی روی کار آمدن ترامپ، امنیتی شدن این موضوع را در چارچوب مکتب کپنهاگ بررسی کرده و در نهایت به ارائه راهکار در این زمینه بپردازد. بر این اساس پرسش مقاله این است که روند مناقشه حقوق بشری ایران و غرب به چه شکلی در حال پیشروی است. یافته‌های موجود نشان می‌دهد، با توجه به تمایز و تفاوت در هنجارهای شکل دهنده به حقوق بشر میان غرب و جمهوری اسلامی ایران، فرآیند امنیتی سازی حقوق بشر همواره به عنوان اهرمی برای فشار بر ایران و سیاست انزوای آن در محیط بین‌المللی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، ایران، آمریکا، اتحادیه اروپا، امنیتی شدن.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

masoudnadery@yahoo.com
f.rostam1361@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

در دوران معاصر چند متن مهم در راستای پایه‌گذاری قانون و حقوق بشر وجود دارد که عبارتند از: ۱- اعلامیه درخواست حقوق در انگلستان (۱۶۸۹)؛ ۲- اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا (۱۷۷۶) و ۳- اعلامیه حقوق شهروند در کشور فرانسه (۱۷۸۹). پس از جنگ جهانی دوم، اندیشه جهانی حمایت از حقوق بشر به نقطه اوج خود رسید و با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵، بستر مناسبی برای مسئله حقوق بشر فراهم شد. از آنجا که منشور، یک سند کامل بشری نبود؛ خلاءهایی در زمینه حمایت از حقوق بنیادین و اساسی بشر وجود داشت، این مسئله سازمان ملل را بر آن داشت که به فکر تصویب یک سند بین‌المللی حقوق بشر باشد، سرانجام در پی تلاش‌های بی‌وقفه سازمان ملل و حمایت بی‌دریغ دولت‌های عضو، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ شمسی در سی ماده و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. در واقع حقوق بشر شامل آن دسته از حقوق مخصوص انسان است که فارغ از خصوصیات مثل رنگ پوست، نژاد، قومیت و غیره برای حفظ شأن و کرامت انسان و حمایت از او مورد احترام بوده و انسان به صرف انسان بودن واجد آن است. اما باید توجه داشت که حقوق بشر در اسلام نیز دارای بار معنایی خاص خود است:

اصل مساوات مهمترین سنگ بنای نظام اجتماعی اسلام است، هیچ یک از ادیان و فلسفه‌ها تا این حد به برابری انسان‌ها ارج نهاده‌اند. اصل برابری اسلام نسبت به افرادی که مسلمان نیستند نیز تسری دارد و این گروه‌ها می‌توانند از تمامی حقوق و امتیازات مسلمانان در یک جامعه اسلامی استفاده کنند و در احوال شخصیه تابع قوانین خود باشند. این تساهل دینی در آن زمان به راستی شگفت‌انگیز بوده است (صدیقی، ۱۳۹۳: ۴۰-۳۹). وظیفه دانش فلسفه اسلامی در تبیین مبانی فلسفی حقوق بشر اینکه با استفاده از تعریفی که خداوند متعال به عنوان تنها آفریننده و علت فاعلی بشر در معرفی حقیقت انسان ارائه کرده، مبانی فلسفی نظریه اسلامی درباره حقوق بشر را با عنوان نظریه «گرایش به مقام انسان کامل» به اطلاع اهل خرد برساند. بر اساس این نظریه، انسان دارای دو بعد مادی (بدن) و معنوی (روح) است. عنصر مادی به تدریج به وجود می‌آید و با مرگ نابود می‌شود و روح مجرد انسان، حقیقت پایدار آدمی است که خصایص شخصیتی انسان در آن وجود دارد (طالبی و طالبی، ۱۳۹۱: ۵۳). در گفتمان حقوق بشر اسلامی، کرامت انسانی

دال برتر و مرکزی و در کانون توجه است و کلیه حقوق امتیازات بشری به عنوان دال‌های شناور بر گرد همین مفهوم درک و دریافت می‌شوند (صالحی و دهقان، ۱۳۹۴: ۱۷۱). حال همین اختلاف در تفاسیر و نوع نگاه به حقوق بشر، کشور ایران را در وضعیت جدیدی قرار خواهد داد. اما آنچه که به این پژوهش ضرورت می‌بخشد شناخت صحیح از مناقشه حقوق بشری ایران و غرب و تجزیه و تحلیل روند آن در زمان ریاست جمهوری ترامپ است تا در نهایت، به چرایی اهمیت روزافزون آن و نحوه تأثیرگذاری آن بر امنیت ملی پی‌برد و بتوان راهکارهای عملیاتی در جهت غیرامنیتی‌سازی این مناقشه را مطرح نمود. در جهت رسیدن به پاسخ مناسب و اثبات یا رد فرضیه، محققین از چارچوب نظری کپنهاگ و مفهوم "امنیتی شدن"^۱ موجود در این مکتب بهره می‌جویند. همچنین پژوهشگران تلاش دارند که با بهره‌جویی از منابع کتابخانه‌ای، مقالات دسته اول و داده‌های متقن، روش منسجمی را در گردآوری داده‌ها پیگیری نمایند. در همین راستا سعی بر آن است تا در چند گفتار به نتایج لازم دست یابیم: ابتدا چارچوب نظری، سپس ارتباط حقوق بشر و سیاست، بازیگران امنیتی‌ساز و کارآمد در این پرونده، نقش جامعه، افق امنیتی‌سازی، غیرامنیتی‌سازی مناقشه و در نهایت سخن پایانی.

چارچوب نظری

در این پژوهش، پژوهشگران در جهت نمایش وجه امنیتی حقوق بشر، مکتب کپنهاگ و ویژگی امنیتی‌سازی این مکتب را برگزیده‌اند. مکتب کپنهاگ، با اندیشمندانی هم‌چون مک سوئینی^۲، اولی ویور^۳ و باری بوزان^۴ خود را معرفی می‌سازد که در این میان بوزان با کتاب معروف خود یعنی مردم، دولت‌ها و هراس از سایرین شناخته شده‌تر می‌باشد. مکتب کپنهاگ با توجه به این که کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰). مطابق گفته بوزان، مکتب کپنهاگ که در سال ۱۹۸۵ شکل گرفت، درصدد بود بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد (Bigo, 2002: 63)؛ مسایل مربوط به انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی که به طور سنتی

1. Securitization
2. Bill Mc Sweeney
3. Ole Waver
4. Barry Buzan

به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند (Bjorn, 2000: 17).

محورهای اساسی مکتب کپنهاگ به طور کلی عبارتند از:

۱- مطرح شدن امنیت به عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛

۲- دولت به عنوان مرجع امنیت؛

۳- امنیتی و غیرامنیتی ساختن موضوعات؛

۴- امنیت ملی به عنوان مرکز ثقل امنیت (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

امنیتی‌سازی

آنچه که از مکتب امنیتی کپنهاگ بیشتر از باقی ویژگی‌ها به چشم می‌خورد، ویژگی امنیتی‌سازی است. ویور در مقاله «امنیتی‌کردن و غیرامنیتی‌کردن» با الهام از نظریه زبان‌شناختی، امنیت را یک حرکت کلامی^۱ می‌خواند؛ یعنی حرکت زبان و نوع بیان مطلب توسط گوینده، امنیت را تعریف می‌کند (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). مبانی نظری امنیتی‌کردن مبتنی بر قرائت مکتب کپنهاگ، ریشه در آرا و نظرات الی ویور دارد. الی ویور استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کپنهاگ دانمارک، بحث امنیتی‌کردن را برای اولین بار در سخنرانی خود در سال ۱۹۸۹ مطرح کرد. نقطه آغاز بحث ویور برشمردن مسائل عمومی موجود در جامعه است که به‌زعم وی بر روی یک طیف قرار می‌گیرند که یک سر آن را امور غیرسیاسی و سر دیگر را امور امنیتی تشکیل می‌دهند. امور سیاسی نیز در میانه طیف قرار می‌گیرند. جای دادن هر موضوع در روی این طیف از نظر ویور بسته به شرایط زمانی و مکانی است و نمی‌توان از قطعی و ثابت بودن جایگاه و اهمیت یک موضوع در جوامع مختلف سخن گفت (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۱۵). به‌عبارت دیگر امنیتی‌ساختن به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به قرار گرفتن پاره‌ای از موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد؛ درحالی که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است. امنیتی‌ساختن در تمام حوزه‌های نظامی و غیرنظامی امکان‌پذیر دارد (Friis, 2000: 3). حرکت کلامی موفق؛ ترکیبی از زبان و جامعه است که مورد توجه مکتب تفسیری نیز می‌باشد، مکتبی که بوزان و همکارانش تحت تأثیر آن قرار گرفتند (Williams, 2003: 514).

پی‌ریزی بنیاد بینادذهنی یک تهدید وجودی با برجستگی کافی برای داشتن پیامدهای سیاسی قابل ملاحظه است. در گفتمان امنیتی، یک مسئله بزرگ جلوه داده می‌شود و به منزله بالاترین اولویت عرضه می‌شود و با اطلاق واژه امنیت بر آن، دولت ادعا می‌کند برای برخورد با آن نیاز و حق به کارگیری ابزارهای فرامعمولی دارد (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). برای آن که یک اقدام گفتاری امنیتی موفقیت‌آمیز باشد، رهایی لازم است. آستین در همین خصوص در دو مقوله، شرایط موفقیت‌آمیز بودن یک اقدام گفتاری را تشریح می‌کند. وی در بُعد داخلی، زبان‌شناسی و بر اساس قواعد گفتاری معتقد است یک اقدام گفتاری موفق باید بر اساس فرآیندهای متعارف و پذیرفته شده ایجاد و سپس اجرا شود. در بُعد بیرونی، متنی و اجتماعی، وجود جایگاهی مناسب برای انجام اقدام ضروری است. برای این منظور دو شرط ضروری می‌باشد؛ اول لازم است گوینده از سرمایه اجتماعی مناسبی برخوردار باشد به این معنا که بازیگر امنیتی‌ساز باید در موضع اقتدار - اگرچه نه لزوماً اقتدار رسمی - باشد و شرط دوم آن که احتمال این که اگر موضوعی به‌طور عمومی به‌عنوان تهدید قلمداد شود، امکان ظهور آن به‌عنوان یک تهدید امنیتی بالا باشد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۸). بوزان و همکاران برای این منظور یک طیف سه‌درجه‌ای شامل؛ موضوعات غیرسیاسی، موضوعات سیاسی و موضوعات امنیتی را ترسیم می‌نمایند. در این چارچوب برای آنکه موضوعی امنیتی شود، دو شرط وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- گفتمان امنیتی‌ساز و ۲- شکستن قوانین و رویه‌های موجود.

گفتمان‌های امنیتی‌ساز شامل؛ بازیگران امنیتی‌ساز^۱ و بازیگران کارآمد^۲ می‌شود. بازیگران امنیتی‌ساز، فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسئله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند. بازیگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند، از سوی دیگر بازیگر امنیتی‌ساز تنها مرجع امنیتی‌ساز یک موضوع می‌باشد و مفهوم عمل گفتاری نیز همین‌جا معنا می‌یابد. معمولاً بازیگر امنیتی‌ساز شامل رهبران، دولت‌ها، احزاب و مواردی از این قبیل می‌باشند و بازیگر کارآمد همچون یک مؤسسه مطالعاتی ایده‌پرداز در مسائل امنیتی است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۴۹). کنشگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند، مانند کنشگرانی که از امنیتی

ساختن یا امنیت‌زدایی از آن سود می‌برند. این کنشگران به طور مستقیم وارد سیاست‌ها نمی‌شوند و بیشتر از طریق فشار، لابی‌ها و نفوذ، سعی در پیشبرد سیاست‌های خود دارند. مانند لابی یهود در امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران یا تلاش بازیگران دولتی اقتصادی در جهت امنیت‌زدایی از این موضوع یا فعالیت‌هایی که از سوی بازیگران کشور امنیتی شده صورت می‌گیرد (محسنی و صالحی، ۱۳۹۰: ۶۱۶). از سوی دیگر کنشگر امنیتی‌ساز تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع می‌باشد که در واقع امنیتی‌سازی، نتیجه شکست دیپلماسی و بن‌بست سیاسی است. امنیتی‌سازی کاربرد قوه قهریه و بکارگیری ابزارهای نظامی را موجه می‌سازد. بعد از انقلاب اسلامی شاهد شکل‌گیری تضادهای معنایی بین ایدئولوژی صادره از انقلاب اسلامی با ایدئولوژی و ساختارهای معنایی کشورهای غربی هستیم. با توجه به تضاد معنایی دو ساختار، پروسه امنیتی‌سازی کلید می‌خورد و وجه امنیتی پرونده حقوق بشری در قبال ایران رخ می‌نماید. در واقع امنیتی‌سازی حقوق بشر در ایران را باید پاسخی دانست از طرف کشورهای غربی به تفاوت ساختاری و معنایی فی‌مابین ایدئولوژی ایرانی و اسلامی با لیبرالیسم در غرب.

بازیگر امنیتی‌ساز: همان‌طور که ذکر شد برای آنکه موضوعی در حوزه امنیتی قرار گیرد، ما نیازمند دو دسته از بازیگران هستیم. ۱- بازیگران امنیتی‌ساز و ۲- همچنین بازیگران کارآمد که در ذیل به بازیگران امنیتی‌ساز دخیل در پرونده حقوق بشر ایران پرداخته شده است.

ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده بر خلاف سیاستی که در قبال سایر کشورها در پیش گرفته است از بسیاری از تمهیدات به طور همزمان علیه ایران سود جست است. اما آنچه بیش از پیش در زمینه فشارهای آمریکا علیه ایران آشکارتر شده است، این است که بویژه پس از روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، گستره سیاست‌های ضد ایرانی ایالات متحده در حوزه‌های موضوعی مختلف افزایش یافته است. حوزه حقوق بشر نیز از این قاعده مستثنی نیست. تمرکز فشارهای

آمریکا در چند ساله اخیر بر وضعیت حقوق بشر در ایران بوده است. باراک اوباما، از ابتدای آغاز به کار خود در کاخ سفید نیز در کنار تکرار شعار تغییر در سیاست خارجی، طیفی از اقدامات را انجام داده است که در راستای تمرکز این کشور بر سیاست نرم و بهره‌گیری از ابزار حقوق بشری قابل ارزیابی است. اتخاذ برخی رویکردها و موضع‌گیری‌ها نشانگر اهمیت نگاه حقوق بشری در مجموعه سیاست‌های دولت اوباما نسبت به جمهوری اسلامی ایران است (آقایی و براتی، ۱۳۸۹: ۳۴). در یکی از گزارشات وزارت امور خارجه آمریکا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۶ با نگاهی جانبدارانه و به دور از حقیقت، جمهوری اسلامی ایران را در کنار حکومت‌هایی نظیر کره شمالی، کوبا، تاجیکستان و چین؛ یک حکومت استبدادی توصیف می‌کند که به طور گسترده حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم را نقض می‌کند. حکومت ایران همچنین به توسل به شکنجه و برخورد خشن با زندانیان سیاسی و مخالفان متهم شده است. پیش از این نیز گزارشات متعددی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران از سوی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا منتشر گردیده که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

دولت اوباما به عنوان بخشی از تلاش خود برای منزوی کردن ایران در زمینه حقوق بشر، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰ میلادی با صدور فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳، اعمال و سیاست‌های دولت ایران در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و بعد از آن را محکوم کرد و خواستار برقراری تحریم‌های بیشتر علیه ایران شد و این اختیار را به وزارت خارجه و خزانه‌داری آمریکا داد تا افرادی را که به ادعای آنان مسئول نقض حقوق بشر علیه مردم ایران بوده‌اند، تحریم کنند (www.state.gov). این تحریم‌ها به موجب «قانون تحریم‌های جامع ایران، پاسخگویی و کاهش سرمایه‌گذاری سال ۲۰۱۰ میلادی» اتخاذ شدند و به موجب آن، هشت نفر از مقامات ایران مشمول تحریم‌های ممنوعیت روادید آمریکا، انسداد دارایی‌های دولت آمریکا مستقر در آمریکا و ممنوعیت تجارت شدند. دولت آمریکا این تحریم‌ها را در ۲۳ فوریه و ۹ ژوئن ۲۰۱۱ میلادی تکمیل و افراد و نهادهای دیگری را به آن افزود. وزارت خارجه آمریکا هم چنین با هدف مرتبط نشان دادن ایران و تحولات در کشورهای منطقه، به تحریم مقامات و نهادهای ایران با ادعای تأمین امکانات تجهیزاتی و پشتیبانی برای کمک به دولت سوریه در سرکوب

اعتراضات در آن کشور اقدام نمود (www.state.gov). در کنگره نیز لوایح متعددی برای افزایش تحریم‌های حقوق بشری علیه مقامات و نهادهای ایرانی و ادعای حمایت از دموکراسی در ایران ارائه شده است. برای مثال در ۴ مه ۲۰۱۱ میلادی، «قانون ارتقای حقوق بشر و دموکراسی در ایران» به تصویب رسید و یا در ۱ جولای ۲۰۱۰ میلادی، چندین ماده مرتبط با حقوق بشر در قانون جامع تحریم ایران، پاسخگویی و منع سرمایه‌گذاری» اضافه شده است (Katzman, 2011: 67). در واقع حقوق بشر به عنوان یکی از ارکان اصلی استراتژی امنیت ملی آمریکا همواره در همه دوره‌ها در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار داشته و در هر بازه زمانی تهدید آن را نه فقط به منزله تهدید علیه امنیت ملی آمریکا بلکه تهدیدی علیه امنیت بین‌الملل معرفی می‌کنند. در این راستا همواره سعی می‌کنند حقوق بشر را با موضوعاتی از قبیل تسلیحات کشتار جمعی، تروریسم و اختلافات قومی در داخل کشورها پیوند زده و رشد این تهدیدات را تسهیل کننده نقض حقوق بشر معرفی کنند (آقایی و براتی، ۱۳۸۹: ۲۳). همچنین در جدیدترین گزارش، وزارت خارجه ایالات متحده روز جمعه (۳۱ فروردین ۹۷)، دولت‌های چین، روسیه، ایران و کره شمالی را دولت‌هایی توصیف کرد که حقوق بشر شهروندان خود را «به‌طور روزمره» پایمال می‌کنند و به این خاطر دولت‌هایی «از نظر اخلاقی قابل نکوهش» هستند. جان سالیوان، سرپرست وزارت خارجه ایالات متحده، روز جمعه گزارش خود را در خصوص وضعیت جهانی حقوق بشر در سال ۲۰۱۷ ارائه کرد و در مقدمه‌ای که بر این گزارش نوشته، به این چهار کشور اشاره کرده است. سالیوان در این مقدمه نوشته است که «دولت‌های چین، روسیه، ایران و کره شمالی؛ حقوق افرادی را که در محدوده مرزهای آنها زندگی می‌کنند به‌طور روزانه نقض می‌کنند و در نتیجه عامل بی‌ثباتی به‌شمار می‌آیند.

اتحادیه اروپا

در چند دهه اخیر، بخش مهمی از روح حاکم بر روابط میان اتحادیه اروپا با سایر کشورها را مسائل و مباحث حقوق بشری تشکیل می‌دهد. اتحادیه اروپا، با انعقاد پیمان ماستریخت (۱۹۹۲) شرط احترام به حقوق بشر را در روابط خود با کشورهای جهان سوم، به عنوان عنصر

ضروری، وارد نموده و نسبت به مسائل حقوق بشری حساسیت فراوانی نشان می‌دهد. این امر در خصوص روابط اتحادیه اروپا با ایران نیز صادق بوده است (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۳۷). برنامه هسته‌ای ایران، اختلاف نظرهای اتحادیه اروپا و ایران در خصوص موضوعاتی مانند تروریسم، رویکرد غرب در تحولات خاورمیانه و حقوق بشر از جمله موانع بسط و گسترش روابط بین دو طرف بوده است. لازم به ذکر است، اتحادیه اروپا همکاری‌های تجاری با ایران را به مسائل سیاسی پیوند زده است. قبلاً رفتار کشورهای اروپایی در قبال ایران در مورد مسائل اقتصادی با آمریکا متفاوت بود و کشورهای اروپایی تحریم‌های اقتصادی آمریکا را نادیده می‌گرفتند و شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران می‌کردند. اما اکنون رفتار اتحادیه اروپا در مسائل اقتصادی نیز تغییر کرده است. به عنوان مثال اتحادیه اروپا امضای موافقت‌نامه همکاری و تجارت با ایران را موکول به بهبود و تغییر رفتار ایران نسبت به مسائلی مانند حقوق بشر، خلع سلاح، تروریسم و برخی مسائل منطقه‌ای از قبیل صلح خاورمیانه نموده است.

همچنین اتحادیه اروپا با انتشار گزارش سالانه خود در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵ از وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی و اعلام کرد وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۲۰۱۴ پیشرفتی نداشته است. در این گزارش با اشاره استمرار اعدام‌ها در ایران خاطر نشان شده است کشورهای اتحادیه اروپا در موارد مختلف از رژیم ایران خواسته‌اند که اعدام‌ها را متوقف کند. گزارش سالانه اتحادیه اروپا در مورد نقض حقوق بشر تأکید کرده: فقدان آزادی‌های بنیادین و نقض حقوق پایه‌ای بشر از جمله حقوق زنان که نقض التزامات بین‌المللی است، همچنان ادامه یافته است. این گزارش خاطر نشان کرد در سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران و تمدید مأموریت احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر، در این کشور حمایت کرد. گزارش سالانه اتحادیه اروپا از رژیم ایران به‌عنوان یکی از حکومت‌هایی نام می‌برد که به دلیل نقض آشکار آزادی‌های مذهبی نسبت به آن نگرانی خاصی وجود دارد (www.iranpressnews.com).

همچنین پارلمان اروپا قطعنامه‌ای تحت عنوان «استراتژی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری

اسلامی ایران» در تاریخ ۳۱ آوریل ۲۰۱۴ صادر و پس از تصویب نهایی به نهادهای اتحادیه اروپا، پارلمان‌ها و دولت‌های اروپایی ابلاغ نمود. این قطعنامه حول محورهای شامل مسئله هسته‌ای، چشم‌انداز مناسبات ایران با اتحادیه اروپا، مسائل منطقه‌ای و حوزه حقوق بشر می‌باشد که در ۲۳ بند تنظیم گردیده است. اتحادیه اروپا در این قطعنامه موارد نقض‌های حقوق بشری در ایران نظیر ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی اطلاعات، ممنوعیت آزادی اجتماعات، ممنوعیت آزادی جنبش‌های مدنی، نقض حقوق زنان، مجازات اعدام، محاکمات ناعادلانه و قوانین کیفری، تبعیض‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی اظهار نگرانی شدید کرده و از مقامات ایرانی می‌خواهد همه مدافعان حقوق بشر، زندانیان سیاسی، فعالان اتحادیه صنفی و کارگری و دستگیرشدگان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ در ایران را آزاد نماید و همچنین در رابطه با شمار زیاد اعدام‌ها (بویژه بهائیان) در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ هشدار می‌دهد. افزون بر آن، اتحادیه اروپا معتقد است انتخابات ۲۰۱۳ ریاست جمهوری ایران مطابق با استانداردهای دموکراتیک، مد نظر آنان برگزار نگردیده و به اعلامیه‌های مصوب در مورد معیار انتخابات آزاد و سالم در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۴ در اتحادیه بین‌المجالس که دولت ایران نیز یکی از اعضای آن می‌باشد، اشاره می‌نماید. پارلمان اروپا در این قطعنامه، تأکید می‌نماید در کلیه روابطش با ایران مسئله حقوق بشر را در اولویت قرار خواهد داد و همچنین از اتحادیه اروپا می‌خواهد گفتگو درباره حقوق بشر با جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با مسائل قضایی و امنیتی آغاز نماید. از نکات مثبت این قطعنامه، استقبال از طرح دکتر روحانی برای تنظیم منشور حقوق شهروندی و استقبال از آمادگی دولت ایران برای برقراری روابط شفاف و سازنده‌تر با غرب را می‌توان برشمرد. البته متذکر می‌شود که حقوق شهروندی باید کاملاً با تعهدات بین‌المللی ایران بویژه عدم تبعیض و حق حیات، ترویج ممنوعیت شکنجه، تضمین آزادی کامل مذاهب و تضمین آزادی بیان منطبق باشد و معتقد است هم اکنون این حقوق با تعریف مبهم جرائم مرتبط با امنیت ملی محدود شده است (Europarl, 2014). همچنین شورای اتحادیه اروپا (۲۳ فروردین ۹۷) در بیانیه‌ای اعلام کرد تحریم‌های مرتبط با حقوق بشر در ایران را به مدت یک سال دیگر تمدید می‌کند. این شورا دلیل تمدید این تحریم‌ها را پاسخ به «نقض جدی حقوق بشر در ایران» عنوان کرد. این

تحریم‌ها شامل ارسال تجهیزاتی می‌شود که می‌توان آنان را در سرکوب اعتراض‌ها مورد استفاده قرار داد یا بر ارتباطات مخابراتی نظارت کرد. این تحریم‌ها هفت سال پیش به دلیل نقض حقوق بشر در ایران تصویب شد و پس از توافق هسته‌ای نیز ادامه پیدا کرد. این تحریم‌ها شامل منع سفر و مسدود ساختن دارایی‌های ۸۲ مقام ایرانی و یک شخصیت حقوقی است.

کمیسیون اروپا

با توجه به اینکه بر اساس معاهده لیسبون، نماینده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا همزمان معاون ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا می‌باشد، لذا در این مقاله مجموعه اسناد صادره حقوق بشری از سوی نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ذیل اسناد کمیسیون اروپا مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به پژوهش‌های انجام شده در این مقاله، ۲۲ مورد اعلامیه، ۴۵ مورد بیانیه حقوق بشری از سوی این دفتر علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۸ تاکنون منتشر گردیده است. مهمترین موضوعات بیانیه، اعلامیه و گزارشات، مواردی نظیر حوادث بعد از انتخابات ۲۰۰۹ ریاست جمهوری، مجازات اعدام، سنگسار، اصلاح قوانین کیفری و قضایی، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی اطلاعات و آزادی اقلیت‌ها جامعه بهایی و صوفی را در برمی‌گیرد. اتحادیه اروپا اکثر مواقع از بنیان صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. اگر چه گزارش‌ها، بیانیه، اعلامیه، قطعنامه‌های منتشر شده از سوی این پارلمان فاقد ضمانت اجرایی بوده و لازم الاجرا نیست اما بیانگر دیدگاه‌های نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از طرفی تاثیر خود را بر ایران در عرصه بین‌المللی بجای خواهد گذاشت. در مجموع، اتحادیه اروپا همواره رفتاری همراه با سیری نوسانی، شکننده و ناپایدار در خصوص همکاری سیاسی، اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن متغیر حقوق بشر داشته است (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۵).

بازیگر کارآمد: در کنار بازیگران امنیتی‌ساز ما شاهد گونه‌ای دیگر از بازیگران، تحت عنوان بازیگران کارآمد هستیم. باید توجه داشت که بازیگران کارآمد از قبل موضوعات

مطروحه شامل سود یا ضرر خاصی نمی‌شوند، بلکه آنها نقش همراهی بازیگر کارآمد را خواهند داشت.

افراد، تشکل‌ها و نهادهایی که به عنوان مدافع حقوق بشر فعال هستند: می‌توان

به کانون مدافعان حقوق بشر، به عنوان نخستین نمونه از این نهادها اشاره نمود که در سال ۱۳۸۱ راه‌اندازی شد و هم‌اکنون ریاست کانون را شیرین عبادی برعهده دارد و محمد سیف‌زاده، محمد شریف، محمدعلی دادخواه و عبدالفتاح سلطانی از جمله اعضای مؤسس آن هستند. دومین گروه به منظور رصد دائم رویدادهای ایران و متهم نمودن جمهوری اسلامی به نقض حقوق بشر با حمایت آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ توسط چند تن از دانشجویان افراطی طیف‌های غیرقانونی «تحکیم وحدت» تأسیس شده است؛ سومین نهادی که با حمایت آمریکا و متحدین آن راه‌اندازی شد، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران می‌باشد. این گروه از اسفندماه سال ۱۳۸۴ با موضوع دفاع از مفاد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران شکل گرفت. چهارمین کانون حقوق بشری؛ کانون زنان ایرانی به عنوان یک نشریه اینترنتی می‌باشد که به دفاع از حقوق بشر به طور کلی و به دفاع از حقوق زنان به طور خاص می‌پردازد (ستوده و ابیا، ۱۳۹۱: ۷۵).

گزارش سالانه دبیرکل سازمان ملل متحد مورخ ۳ مارچ ۲۰۱۶ انتشار یافت. در مقدمه این گزارش پس از برشمردن نقض حقوق زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی و نقض آزادی بیان، به همکاری جمهوری اسلامی ایران در مورد رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در این کشور در چارچوب «بررسی ادواری جهانی» اشاره شده و از مخالفت ایران با ورود گزارشگر ویژه به این کشور برای تنظیم گزارش در محل، انتقاد می‌شود. کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مهمترین مراجع بین‌المللی در خصوص تشخیص نقض حقوق بشر در کشورها هستند. آنچه در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم رخ داده حاکی از آن است که مناسبات و ساز و کارهای تهیه گزارشات و رأی‌گیری در خصوص آنها به شدت تحت تأثیر قواعد سیاست بین‌المللی و نیز جهت‌گیری‌های قدرت‌های بزرگ، بویژه قدرت‌های غربی می‌باشد. از سوی دیگر معمولاً نمایندگان برای نظارت یا بررسی وضعیت حقوق بشر انتخاب می‌شوند که الزاماً پایبند مشی غرب و تفسیر آن از اعلامیه حقوق بشر باشند. همچنین خط‌دهی

و فضا سازی وسیعی قبل از اعزام نمایندگان ناظر به کشورها و در ضمن تهیه گزارشات حقوق بشری و هنگام رأی گیری ها در نهادهای بین المللی و نیز بعد از اعلام نتایج، توسط رسانه ها و مقامات رسمی کشورهای غربی صورت می گیرد.

جامعه جهانی

امروزه همه کشورها به این باور رسیده اند که انجیل حقوق بشر جامعه بین المللی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. این اعلامیه به اندازه ای مورد توجه است که همه کنوانسیون های بین المللی و اعلامیه های منطقه ای حقوق بشر آن را زیر بنا قرار داده و سپس هنجارهای تازه خود را ارائه می کنند. به عبارتی در ادبیات تخصصی حقوق بین الملل از اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان قانون اساسی جامعه بین المللی یاد می کنند (Vilian Duran, 1998: 5). نگارش و تصویب اعلامیه حقوق بشر بین نشست یکم و سوم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۴۸ صورت گرفت. ایران یکی از ۱۴ کشور عضو این کمیسیون بود که در نگارش و تصحیح آن نقش داشت و هنگام رأی گیری اعلامیه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به این اعلامیه رأی مثبت داد (Boyle, 1998: 8).

از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر با ۴۸ رأی مثبت، ۸ رأی ممتنع و بدون رأی منفی به تصویب دولت های عضو رسید. دولت های عربستان سعودی، روسیه سفید، لهستان، چکسلواکی، آفریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین و یوگسلاوی به این اعلامیه رأی ممتنع دادند. این هشت کشور اطمینان دادند که اصولا مخالف اعلامیه نیستند (Verdot, 1998: 94). کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در اهمیت جهانشمولی این حقوق می گوید: این حقوق مدنی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، اساسا برای همسان سازی روابط میان افراد، گروه ها و ملت ها؛ جهانی، مشترک، مستقل و همبسته اند (Annan, 1997: 1). فراتر از اهمیتی که کشورها در بعد داخلی برای حقوق بشر قائلند در بعد منطقه ای و بین المللی نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر اثر قابل توجهی از خود برجای گذاشته است. تاثیر اعلامیه بر همه سازمان های بین المللی از دلایل جهانشمولی آن

است. تاثیر اعلامیه بر ترتیبات منطقه‌ای، در تأیید جهانشمولی آن قابل توجه است. در سند نهایی اجلاس جنبش عدم تعهد در سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی جاकारتا نیز جهانی بودن حقوق بشر تأیید شده است (Morphet, 1993: 368). در مجموع، می‌توان اظهار داشت که امروزه توجه و اقبال بین‌المللی نسبت به حقوق بشر، افزایش یافته است. حقوق بشر از سال ۱۹۴۸ میلادی رو به جهانی شدن داشت و با اجرا شدن میثاق‌ها و دیگر کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، این امر شتاب گرفت. به علاوه، همان طور که پطروس غالی، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، در کنفرانس وین اظهار داشت: زبان بین‌المللی حقوق بشر به طور نسبی یک شکل شده است ولو اینکه برخی کشورها با آن سازگار نیستند (Sudre, 1995: 171). کنفرانس حقوق بشر تهران، اصول اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر را صحنه گذاشت و دستورکاری را که ما امروز طالب دستیابی به آن هستیم، تنظیم کرد. این اعلامیه خواستار محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان شد و تجزیه‌ناپذیری تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را تأیید کرد (عنان، ۱۳۷۶: ۵).

در بند «۱» بخش یکم اعلامیه و برنامه عمل وین آمده است: «سرشت جهانشمولی این حقوق و آزادی‌های اساسی انکارناپذیر است» و در بند «۵» همین بخش تصریح شده است: «تمامی انواع حقوق بشر جهانشمول و تقسیم‌ناپذیراند و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند. جامعه بین‌المللی باید حقوق بشر را به نحوی فراگیر، عادلانه و منصفانه بر پایه‌ای برابر در نظر بگیرد و برای کلیه حقوق‌آهیتی یکسان قائل شود. ضمناً، در نظر داشتن پیشینه‌های ملی، منطقه‌ای و تنوع زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی، برعهده دولت‌هاست که صرف نظر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به تقویت و حمایت از تمام حقوق بشر و همه آزادی‌های سیاسی بپردازند» (اعلامیه و برنامه عمل وین، ۱۹۹۳: ۶-۷). از آنجایی که سازمان ملل چکیده جامعه جهانی است، رویکرد این نهاد در زمینه موضوع حقوق بشر ایران قابل تأمل خواهد بود. در جدیدترین گزارش (۲۵ آبان ۹۷) کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای از "وخیم‌تر شدن وضع حقوق بشر در ایران" انتقاد کرده است. در این قطعنامه با اشاره به گزارش‌های دبیرکل سازمان ملل متحد و گزارشگر ویژه حقوق بشر آمده است حکومت ایران در یک سال گذشته سرکوب معترضان، روزنامه‌نگاران

و کاربران شبکه‌های اجتماعی را افزایش داده است. قطعنامه کمیته سوم مجمع عمومی با رای مثبت ۸۵ کشور به تصویب رسیده است این قطعنامه قرار است به نشست عمومی مجمع عمومی در ماه دسامبر ارائه شود.

ترامپیزه شدن رادیکال حقوق بشر و بربریت نوین

ترامپ را یک سوداگر و یک مرکانتلیست می‌دانند که تا به حال در جریان کار سیاسی نبوده و پیشینه‌ای در این زمینه نداشته است. نگاهی به شعار اصلی ترامپ یعنی «نخست آمریکا» گویای این حقیقت است که دیدگاه ترامپ برگرفته از نوعی انزواطلبی است. این انزواطلبی خود را به خوبی در سیاست‌های ضد مهاجرتی او آشکار می‌سازد. سیاست‌های ضد مهاجرتی او حاکی از ملی‌گرایی افراطی ترامپ است که درهای آمریکا را به روی سایر ملل بسته است که این امر خود در تناقض آشکار با اصول حقوق بشری می‌باشد که آمریکا از آن دم می‌زند. علاوه بر آن با بررسی شخصیت ترامپ مشخص می‌شود که مسائلی همچون حقوق بشر در جایگاه دوم اهمیت قرار دارد و صرفاً از آنها استفاده ابزاری خواهد شد. در واقع شخصیت تاجر مآب ترامپ بیشتر روی به سوی نظامی‌گری و اقتصاد دارد. شعارهای ترامپ در زمینه بازسازی اقتصادی ایالات متحده آمریکا نقش برجسته‌ای را در پیروزی انتخاباتی وی بازی کرد. علاوه بر آن، اعتقاد ترامپ به پیشینه‌سازی قدرت سخت نیز امر مهم دیگری است، زیرا ترامپ پیشنهاد افزایش ۱۰ درصدی بودجه دفاعی ایالات متحده آمریکا را مطرح ساخته است که رقمی معادل ۵۴ میلیون دلار خواهد بود. این نوع نگاه که بر محور نظامی-اقتصادی در حال حرکت است، حاکی از معطوف شدن نگاه ترامپ به مسائل این‌چنینی و به فراموشی سپردن حقوق اقلیت‌ها، زنان و بیگانگان است.

در ادبیات امروزه بربر را معادل بی‌فرهنگی تا وحشی‌گری به کار می‌گیرند، جالب آنکه اظهارات ترامپ در مورد نوع شکنجه و مسأله «غرق مصنوعی» که گفته بود: «به نظرم این نوع شکنجه چندان هم سختگیرانه نیست» باعث شده که از رویکرد او با عنوان «بربریت دونالد ترامپ» نام ببرند. چنین رویکردی تا جایی ادامه داشت که حتی پیش از انتخاب ترامپ، دانش‌آموزان آمریکایی تصور می‌کردند در صورت انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری،

سیاه‌پوستان به آفریقا برگردانده خواهند شد.

مخالفت با ترویج دموکراسی در جهان اصل دیگری است که در فهم جهت‌گیری سیاست خارجی ترامپ به ما کمک می‌کند. سیاست ترویج دموکراسی از زمان ریاست جمهوری ریگان محور سیاست خارجی آمریکا قرار داشته است. برخورد ترامپ با این سیاست همانند برخورد تند او با ملت‌سازی و سیاست تغییر رژیم است. نکته‌ای که در این زمینه باید به آن توجه داشت این است که مبنای مخالفت ترامپ با این اصل از سیاست خارجی سنتی ایالات متحده به هزینه‌های بالا و بدون دستاورد آن باز می‌گردد. اگر تداوم این سیاست‌ها با وجود هزینه‌های بالای آن از سوی روسای جمهور پیشین آمریکا همچنان دنبال می‌شود به سبب اولویت نگاه امنیتی در سیاست خارجی نزد آنان بود، اما به نظر می‌رسد در مورد ترامپ چنین نیست (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۱). موضوع دیگر درباره ترامپ به عدم پایداری او به «پیمان‌های بدون منفعت» است. خروج از پیمان «ترانس پاسیفیک» و تهدید به خروج از پیمان مربوط به تغییرات اقلیمی که در پاریس به امضا رسید نمونه‌هایی است که نشان از عزم راسخ ترامپ در جهت عدم پایداری به تعهدات بدون سود مستقیم برای ایالات متحده آمریکا دارد زیرا ترامپ فردی است که به شدت اهل محاسبه سود و زیان است. در همین زمینه اینکه آمریکای دوران ترامپ به معاهدات حقوق بشری وفادار بماند، سناریویی است که تا حد زیادی در حاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت و چهره آمریکا در زمینه حقوق بشر را مخدوش‌تر از قبل خواهد کرد. دولت دونالد ترامپ با شعار کاهش هزینه از جمله خرج کردن در ورای مرزهای آمریکا رای آورد و بر سر کار آمد. خط‌مشی‌ای که می‌تواند بر کمک‌های بشردوستانه سازمان‌های بین‌المللی هم تاثیر بگذارد. کنشگران یادآوری می‌کنند که این کمک‌های آمریکا تا قبل از این، چندان تحت تاثیر تغییر دولت‌ها قرار نمی‌گرفته است.

روز جمعه سوم مارس سال ۲۰۱۷ میلادی وزارت امور خارجه آمریکا چهل و یکمین گزارش سالانه خود در مورد وضعیت حقوق بشر، در تقریباً ۲۰۰ کشور جهان را منتشر کرد. در این گزارش که ۴۸ صفحه آن به کشور ایران اختصاص یافته نسبت به تهدیدها نسبت به آزادی بیان و حاکمیت قانون در ایران انتقاد کرد. در چنین وضعیتی شاهد شکل‌گیری یک اصل مهم در سیاست خارجی ترامپ هستیم و آن استفاده ابزاری از حقوق بشر بدون اعتقاد

واقعی به آن است. در واقع با حاصل شدن آرامش نسبی پسابرجام و فروپاشی جو امنیتی حاکم بر ایران که برآمده از مساله هسته‌ای بود، اینک دولت ترامپ «پروژه امنیتی‌سازی افراطی» موضوع حقوق بشر در ایران را با این گزارش کلید زده است. علاوه بر این ما شاهد درخواست نمایندگان کنگره از دولت ترامپ برای تحریم ایران بابت نقض حقوق بشر و اقلیت بهایی هستیم. شش نماینده کنگره ایالات متحده از هر دو حزب سیاسی عمده جمهوریخواه و دموکرات، با ارائه قطعنامه‌هایی مشابه به سنا و مجلس نمایندگان، ضمن محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران بویژه حقوق اقلیت بهایی، از دولت پرزیدنت ترامپ خواستند تحریم‌های بیشتری علیه ایران وضع کند. تمام این مواضع یادآور ماه‌های آغازین شروع امنیتی شدن پرونده اتمی ایران است. این وضعیت در پیش از روی کار آمدن ترامپ آغاز گشته و با عطف به شخصیت پر نوسان ترامپ بر روی موج بی‌ثباتی پیش می‌رود. این پروژه با گزارش‌های ساده آغاز می‌گردد و با تأکید نهادها و سازمان‌های مختلف شکل حادتری به خود می‌گیرد که می‌توان آن را در قالب سه فاز ذیل نشان داد:

* در فاز اول امنیتی‌سازی پرونده حقوق بشری ایران، ما شاهد گزارش نهادهای مختلف بین‌المللی به عنوان بازیگران کارآمد در جهت اقناع جهانیان با آمار و ارقام گوناگون هستیم؛

* در فاز دوم توسط بازیگران امنیتی‌ساز، رویکرد «تهدیدپذنداری» از ایران و «عدم پایبندی به هنجارهای بین‌المللی» در قالب زبان به پیش می‌رود، جملاتی همچون عدم رعایت حقوق اقلیت‌ها یا نبود آزادی بیان و یا آزادی‌های اجتماعی که یادآور جملات نتانیاهو در قبال برنامه اتمی است: «عبور ایران از خط قرمز!» علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* در فاز سوم؛ جامعه جهانی ایران را به عنوان یک ناقض حقوق بشر خواهد شناخت که چنین پذیرشی به معنای انزوای مجدد تهران و حمل بار امنیتی بر آن است.

با بررسی اجمالی صحبت‌های وزارت امور خارجه دولت ترامپ و در رأس آن رکس تیلرسون می‌توان به برخورد دوگانه ترامپ در موضوع حقوق بشر پی برد. رکس تیلرسون گفت: «از دید من، برای این که شعار «اول آمریکا» را در قالب سیاست خارجی مان اجرا کنیم، یعنی امنیت ملی و شکوفایی اقتصادی را در اولویت بگذاریم. اگر تلاش‌هایمان برای امنیت ملی را مشروط کنیم به این که کسی ارزش‌های ما را فرا بگیرد، احتمالاً نمی‌توانیم به اهدافمان

برای امنیت ملی برسیم. ما توازن را از دست داده‌ایم. و این روابط و ائتلاف‌ها خیلی برایمان مهم‌اند و باید آنها را به توازن برگردانیم». چنین جملاتی یک پیغام را به تمام جهان مخابره خواهد کرد: اینکه ترامپ برای رسیدن به منافع، از سلاح حقوق بشر به صورت گزینشی استفاده خواهد کرد. در شرایطی که تهران را با این ابزار تحت فشار قرار خواهد داد، در رابطه با ریاض از ارزش حقوق بشر چشم‌پوشی می‌کند. حتی بسیاری از تحلیلگران رابطه مناسب محور غربی-عربی را به سبب بی‌تفاوتی ترامپ نسبت به نقض مکرر حقوق بشر توسط مقامات سعودی می‌دانند. در این زمینه دیدبان حقوق بشر یا آور می‌شود که «آن‌جایی هم که ارزش‌هایی مثل حقوق بشر در کنار منافع آمریکا قرار می‌گیرند، نهایتاً حقوق بشر را به عنوان یک ابزار برای سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد».

مع الوصف باید توجه داشت که نوع نگاه ترامپ به مسائل گوناگون، خصوصاً حقوق اقلیت‌ها منجر به آن شده که خود این کشور به عنوان یک ناقض حقوق بشر معرفی گردد. دیده‌بان حقوق بشر، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا را تهدیدی برای حقوق بشر دانست و کمپین او را "تصویر زنده‌ای از سیاست عدم تحمل" توصیف کرد. دیده‌بان حقوق بشر همزمان با انتشار گزارش خود در بیانیه‌ای اعلام کرد: انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا پس از یک کمپینی که «تنفیر و عدم تحمل» را تحریک کرد و موجب افزایش نفوذ آن دسته از احزاب سیاسی در اروپا شد که حقوق جهانی را رد می‌کنند، سیستم حقوق بشری پسا جنگ را به خطر انداخته است (<http://www.isna.ir>). در همین راستا می‌توان نمود دیگری از بی‌توجهی ترامپ به حقوق بشر را در رویکرد وی به موضوع حقوق بشر در عربستان دید. روزنامه رای‌الیوم در گزارشی نوشت که محافل سعودی از روی کار آمدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا خرسند هستند زیرا وی کاری به اوضاع داخلی عربستان و وضعیت ناگوار حقوق بشر در این کشور ندارد و به منظور رانندگی کردن زنان در عربستان به ریاض فشار نمی‌آورد (www.tasnimnews.com). در همین راستا نحوه تاثیر ترامپ بر وضعیت حقوق بشر را می‌توان در دو سناریوی مختلف پیگیری نمود:

ابتدا آنکه نحوه برخوردهای ترامپ با مسائل مختلف به صورتی است که وی خود را در جایگاه یک متهم حقوق بشری قرار داده است. در واقع مواجهه ترامپ با موضوعات

به گونه‌ای است که نشان از عدم توجه به پایبندی به اصول حقوق بشری دارد و همین امر او را به شکلی بومی‌گرا، نژادپرست و همچنین بیگانه‌هراس معرفی می‌نماید، بنابراین توجه وی به موضوع حقوق بشر در ایران نیز چندان از اهمیت برخوردار نخواهد بود.

در رویکرد دوم باید به این مولفه نظر افکند که ترامپ برای پیشبرد منافع دولت خود از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. در همین راستا با پیش آمدن توافق برجام و حل مساله هسته‌ای، اینک بهترین دستاویز برای فشار بر تهران از طریق اتهامات حقوق بشری فراهم خواهد گردید، بنابراین ابزار حقوق بشر همواره گزینه‌ای محتمل برای استفاده دولت جدید آمریکا خواهد بود.

افق امنیتی پیش‌رو

شکل و ماهیت ارتباط سازمان غیردولتی عفو بین‌الملل با ایران در ۴ دوره قابل بررسی است:

- ۱- سال‌های اولیه انقلاب تا ۱۳۷۰: سیاست عدم پاسخگویی دولت ایران؛
- ۲- سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲: فروکش کردن جو منفی دوره قبل؛
- ۳- سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶: پیش آمدن موضوعات سلمان رشدی و میکونوس و متعاقب آن انتقاد عفو بین‌الملل از ایران؛
- ۴- دوره ۱۳۷۶ به بعد با ریاست جمهوری آقای خاتمی جو مثبتی در گزارش‌های عفو بین‌الملل به وجود می‌آید، اما با روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد این روند معکوس می‌شود. سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز در راستای فعالیت خود از ابتدای انقلاب تاکنون گزارش‌هایی را در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه و منتشر کرده است که عمدتاً جهت‌گیری‌های شدیداً منفی دارند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۷۶-۱۷۰). آمریکایی‌ها بر این اعتقادند که از جمله اولین کشورهایی می‌باشند که توانسته‌اند ضرورت‌های مربوط به حقوق بشر را در ادبیات سیاسی خود گسترش دهند. ادبیات تصمیم‌سازان آمریکایی به گونه‌ای سازماندهی شده است که بر اساس آن تعارض آمریکا و ایران در چارچوب مولفه‌هایی از جمله دموکراسی و حقوق بشر مفهوم یابد. در بین رهبران آمریکایی، کادر وزارت امور

خارج‌ه حساسیت بیشتری را نسبت به حقوق بشر و دموکراسی به نمایش گذاشته‌اند. از دیدگاه این افراد، دموکراسی (یا به عبارت صحیح‌تر لیبرال دموکراسی) منجر به پایان تروریسم می‌شود. بنابراین برای مبارزه با تروریسم، آنان موضوعاتی از جمله دموکراسی را در دستور کار خود قرار دادند (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). در همین راستا پارادوکس حقوق بشری آمریکا در ارتباط با رفتار سخت‌گیرانه و اقدامات تحریم و تهدید آن علیه ایران به خوبی ظاهر می‌شود. ایران چون ساختار نظم منطقه‌ای و بین‌المللی پس از جنگ سرد را نمی‌پذیرد، مورد فشار شدید آمریکا قرار می‌گیرد. اعمال تحریم‌ها و فشارهای مختلف سیاسی و اقتصادی بویژه در زمینه انرژی هسته‌ای در راستای تحقق سیاست یکجانبه‌گرایانه و ابزاری شعار گسترش دموکراسی و حقوق بشر و پیشبرد دموکراسی توسط آمریکا دارای کارکرد سیاسی و نه حقوقی در منطقه خاورمیانه است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

همچنین در مناسبات ایران و اتحادیه اروپا نیز حقوق بشر از مسائل قابل توجه می‌باشد و کوشش اروپا در شروع بحث در این زمینه قابل توجه است. در مباحث حقوق بشری، هدف اتحادیه اروپا، اعمال فشار بر دولت ایران برای ارتقا بخشیدن به حاکمیت قانون بوده است. بنابراین اروپا تهران را به همکاری با روندهای سازمان ملل در زمینه حقوق بشر وادار کرده است (Tzogopoulos, 2004: 49-50). «حقوق بشر سنگ بنای سیاست خارجی اتحادیه اروپا است» این نخستین جمله متنی است که در خصوص سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر در سایت اینترنتی این اتحادیه آمده است. همچنین طبق ماده یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت‌های عضو باید حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این سند را در قبال تمام افراد تحت صلاحیت خود تضمین نمایند (سادات اخوی و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۳۳). از جک دانلی و رودی هاوارد نقل می‌کنند که کرامت بشری یک ارزش جهان‌شمول است، اما حقوق بشر ریشه در غرب دارد و نیازمند یک رژیم لیبرال برای ایجاد آن است. به نظر آنها حقوق بشر همسان، برابر و هم‌اندازه با کرامت بشری نیست بلکه بیشتر به معنی کمال حمایت از کرامت بشری است. این یعنی تفکیک میان کرامت بشری با حقوق بشر. از این منظر شاید شماری از کشورها دارای کرامت بشری باشند اما سهمی در حقوق بشر ندارند. حقوق بشر یافته باخترنشینان است و اگر دیگران آن را بپذیرند آنگاه به کرامت واقعی دست

یافته‌اند (ذاکریان، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۵). مهمترین ایرادی که به حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی در این خصوص وارد می‌باشد این است که حقوق بشر بیش از آنکه مبتنی بر مبانی فلسفی عامی باشد، زاییده فرهنگ غربی است که در مسیر تحولات فرهنگی غرب، صیقل خورده و به جزئی از فرهنگ آن تبدیل شده است. از این رو، تدوین اعلامیه حقوق بشر یک سویه و مطابق با فرهنگ خاص وضع کنندگان آن است. بنابراین آداب و رسوم دیگران را در نظر نگرفته است (صدیقی، ۱۳۹۳: ۳۱). مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ (۲۷ آذر ۱۳۹۲) قطعنامه‌ای غیرالزام‌آور در زمینه حقوق بشر علیه ایران صادر کرد که با ۸۶ رأی مثبت، ۶ رأی منفی و ۶۱ رأی ممتنع تصویب شد. نکته جالبی که در قطعنامه‌های ضد حقوق بشری ایران تا حد چشمگیری جلب توجه می‌نماید، اتکای آرای صادره به برخی کشورهای آفریقایی یا کشورهای ذره‌ای (مینیاوری) است؛ کشورهایی که بعضاً حتی نام آنها نیز برای بسیاری از ایرانیان ناآشناست (قنبری نژاد اصفهانی، ۱۳۹۳: ۴۹-۴۷). در دموکراسی دینی مشروعیت حکومت دوسویه است؛ یک سوی آن، خداوند متعال و سوی دیگر، مردم هستند که با انتخاب حاکم دارای صلاحیت‌های رهبری بدان مشروعیت می‌بخشد و به تعبیر دقیق مشروعیت آن را کامل می‌کند. امام خمینی، مشروعیت الهی را با صبغه مردم‌سالاری در هم آمیخت و از آن نظریه‌ای به وجود آورد که ضمن دارا بودن همه عناصر و مؤلفه‌های نظام‌های مردمی، کارویژه‌ها و امتیازات مثبت مشروعیت الهی را نیز در خود جای داده است (قاسمی، ۱۳۷۸: ۲۴۷). بر پایه نظریه نسبیت‌گرایی فرهنگی، قواعد حقوق بشر بر پایه تمایزات فرهنگی ملت‌ها قابل تفسیر است. درحالی که بر پایه تصویب پیمان‌نامه‌های حقوق مدنی و سیاسی از سوی ۱۶۴ کشور و با تأکید بر بند ۲ ماده ۴ آن، قواعد بنیادین حقوق بشر جهان‌شمول هستند. همین قواعد بنیادین حقوق بشر در بستر جهانی شدن به شدت در حال گسترش و جهان‌شمولی هستند؛ به گونه‌ای که به باور برخی پژوهشگران، اگر در دو دهه گذشته مناظرات اصلی حقوق بشر بحث میان طرفداران جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایان فرهنگی بود، امروزه بحث و مناظره در حوزه جهانی شدن و بازتاب آن بر حقوق بشر متمرکز شده است (ذاکریان، ۱۳۸۹: ۱۲۲). آنچه که حائز اهمیت خواهد بود وجود چند موضوع است:

ابتدا آنکه روندهایی از قبیل حقوق بشر، امروزه به شدت وجهه بین‌المللی به خود گرفته‌اند و با توجه به وجود سازمان‌هایی از قبیل سازمان ملل یا عفو بین‌الملل، این روندها با جدیت و دقت بیشتری پیگیری خواهد شد. ثانیاً حقوق بشر در جهان امروز شکلی سیاسی به خود گرفته؛ بدین معنا که امکان مداخله در کشورها حتی به صورت نظامی و تحت عنوان مداخلات بشردوستانه فراهم شده است. ثالثاً کشورهای ناقض این روند به لحاظ حقوقی امکان طرح ادعای مبتنی بر عدم دخالت در امور داخلی (ماده ۲ بند ۷ منشور سازمان ملل) را برای خود نمی‌توانند قائل باشند. این بدان معناست که نیروهای سازمان ملل مجاز به ورود به کشورهای ناقض حقوق بشر و در نتیجه حق عملیات نظامی را دارا می‌باشند. در رابطه با ایران دو شکل متفاوت از وضعیت حقوق بشری را شاهد هستیم:

وضعیت اول: از یک طرف کشورهای غربی و در رأس آنان ایالات متحده مدعی آن هستند که ایران در سطوح مختلف ناقض حقوق بشر بوده و بارها این مسأله را از طرق گوناگون به ایران یادآور شده و از آن ابراز نگرانی کرده‌اند. در این حالت ایران در وضعیت «متهم» قرار می‌گیرد و در صورت ناسازگاری در وضعیت سیاسی با غرب، امکان ارجاع پرونده ایران به مراجع مربوطه و حتی شورای امنیت دور از ذهن نخواهد بود و شبیه آنچه که در پرونده هسته‌ای شاهد آن بودیم، این بار در مسأله حقوق بشر قابلیت تکرار را خواهد داشت.

وضعیت دوم: در تمام آنچه که بر اثر پرونده هسته‌ای و متعاقب آن فشار بر تهران و همچنین اعمال تحریم‌ها شاهد بودیم نوعی از نقض حقوق بشر به چشم می‌خورد. با نگاهی گذرا به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران روشن می‌شود که کشور ایران قربانی نوعی فضاسازی سیاسی-امنیتی شده و در نتیجه از بسیاری از حقوق ابتدایی خود محروم گشته است. موانع مختلفی هم چون مسدود شدن دارایی‌ها، بازرسی‌های شدید از کشتی‌های ایرانی، ممانعت از فروش یا کمک‌های فنی و آموزشی و ... که ایران را در وضعیت «شاک» قرار می‌دهد. در این وضعیت کشور ایران از حقوق اولیه خود همچون حق توسعه، حق فناوری و آموزش، حق پیشرفت اقتصادی و یا حق بر تردد آزادانه منع شده است. در روند امنیتی‌سازی پرونده حقوق بشری ایران چند نکته مهم در گذر زمان به چشم می‌خورد:

الف- ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا، به کرات از نگرانی خود در

مورد وضعیت حقوق بشر در ایران سخن گفته‌اند. شاهد مثال آنرا می‌توان در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در فروردین ماه ۱۳۹۵ پیدا کرد که انتخاب حسن روحانی را بر اساس یک انتخابات غیردموکراتیک محکوم کرد!

ب- روند گزارش‌ها و مصاحبه‌ها، دستاویزی خواهد بود برای پذیرش جامعه جهانی به عدم تبعیت ایران از حقوق بشر. در واقع باور اکثریتی کشورهای سازمان ملل و اتحادیه اروپا یک "باور جهانی" و یک "تفکر جمعی منفی" را علیه کشور ایران در پی خواهد داشت.

پ- گزارش‌های مذکور به معنای نقش "زبان" و پذیرش کشورها به معنای پذیرش "جامعه" محسوب می‌گردد که این امر به عنوان ریشه امنیتی سازی از طریق بازی با کلمات در حال انجام است؛

ت- همین ترکیب موفق زبان و جامعه است که گام‌های امنیتی سازی پرونده حقوق بشر ایران را برخواهد داشت. یعنی ادعای زبانی به یک وضعیت امنیتی و باور عمومی جامعه به آن وضعیت و در نهایت تعریف جدید از مسأله مطرح شده است.

ث- ایالات متحده از نقش برجسته تری در بین سایر بازیگران امنیتی ساز برخوردار است و مسئولیت این روند را بیشتر به دوش می‌کشد. به عنوان مثال می‌توان به کمک‌های مالی وزارت امور خارجه آمریکا به «مرکز مستندسازی اسناد حقوق بشر ایران» اشاره کرد که وزارت اطلاعات ایران در سال ۱۳۸۸ این نهاد را یکی از شصت موسسه خارجی فعال در اغتشاشات معرفی نمود. البته باید توجه داشت که هژمونی ایالات متحده و وجهه بین‌المللی این کشور به شدت در این روند اثرگذار خواهد بود.

غیرامنیتی سازی مناقشه

برای برون رفت از وضعیت امنیتی موجود و غیرامنیتی شدن آن چند پیشنهاد مطرح می‌شود:

- نظام‌های معنایی متمایز و دوگانه همواره اصلی‌ترین عامل امنیتی سازی ایران بعد از انقلاب در حوزه‌های مختلف بوده است. این پتانسیل وجود دارد که نگاه‌های متمایز و متفاوت در قالب مذاکرات و چانه‌زنی‌ها کمرنگ شود. با توجه به اینکه مبنای غیرامنیتی سازی همواره

برگرداندن موضوعات از حوزه امنیتی به حوزه عمومی در قالب چانه‌زنی و مذاکرات بوده است، لذا یکی از پیشنهادات مقاله، دربرگیرنده به بحث گذاشتن دغدغه‌های دو طرف (عمدتاً جمهوری اسلامی ایران) توسط کارشناسان و اهل فن در حوزه حقوق بشری است. قاعدتاً طرف ایرانی در این زمینه اهرم‌های موثرتری در اختیار خواهد داشت؛ کما اینکه در مذاکرات هسته‌ای هم این مقوله مورد توجه قرار گرفت و اثرآفرینی آن برجسته گردید.

- پیشنهاد می‌گردد برجسته‌سازی کنشگری موثر جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های متعدد حقوق بشری در دستور کار قرار گیرد. توصیه می‌شود پتانسیل‌های ملی در این حوزه از طریق تریبون‌های اثرگذار و مطرح بین‌المللی همچون نشست‌های نهادهای حقوق بشری برجسته‌سازی گردد، با توجه به اینکه در فرآیند امنیتی‌سازی ایران عمدتاً بهانه‌گیری‌های سیاسی عامل اساسی بوده است، برجسته‌سازی مشخص اقدامات حقوق بشری کشور در همه ابعاد همچون زندان‌ها، حقوق زنان، حقوق کودکان (که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی قرار داشته است) می‌بایست در دستور کار قرار گیرد.

- با توجه به اینکه در مقطع کنونی در سیاست خارجی آمریکا، جمهوری خواهان سکان سیاست خارجی و بین‌المللی ایالات متحده را بر عهده دارند، فرصت مناسبی جهت غیرامنیتی‌سازی موضوع حقوق بشر در ایران ایجاد شده است. بیشتر از هر زمان دیگری جمهوری خواهان و بویژه دونالد ترامپ نگاهی بازاری، تجاری و منفعت‌محور به حقوق بشر دارند. ضروری است کاستی‌های موجود در منشور حقوق بشری ایالات متحده در مقطع کنونی مورد توجه مسئولین امر در حوزه‌های مختلف و نمایندگان کشور در نهادهای بین‌المللی حقوق بشری و اجلاس‌های متعدد قرار گیرد.

- پیشنهاد می‌شود مزیت‌سنجی در فرآیندهای غیرامنیتی‌سازی حقوق بشر مورد توجه سیستم تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور قرار گیرد. رویکرد عقلایی در سیاست خارجی و سنجش هزینه‌ها و منافع سیاست‌های اقتصادی کشور نشان می‌دهد تعاملات جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا در این حوزه از حساسیت بالایی برخوردار است. اگرچه سیاسی شدن حقوق بشر و سخت‌گیری‌های متعدد از جانب اتحادیه اروپایی کمتر از ایالات متحده نیست اما نکته اینجاست که استراتژی اقتصادی کشور عمدتاً با محوریت اتحادیه اروپایی تعریف می‌شود تا

آمریکا. بعد از سال ۲۰۰۳ تاکنون اتحادیه اروپایی توسعه مناسبات با ایران را منوط به حل و فصل چالش‌های فی مابین از جمله حقوق بشر کرده است، لذا ضروری است سرمایه‌ها و پتانسیل کشور در حوزه غیرامنیتی‌سازی حقوق بشر در ارتباط با اتحادیه اروپا به عنوان اولویت تعریف گردد، به نظر می‌رسد احتمال شکل‌گیری مذاکرات مقرون به نتیجه مابین ایران و اتحادیه اروپایی بسیار بیشتر از مذاکرات میان ایران و ایالات متحده باشد چرا که ایالات متحده نگاه منفعت‌محورتری به موضوع حقوق بشر اتخاذ نموده است.

نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت بررسی فرآیند چگونگی امنیتی‌سازی وضعیت حقوق بشر در ایران بود. با توجه به ارتباط تنگاتنگ دو مقوله حقوق و سیاست و سیاسی شدن موضوعات حقوقی در چارچوب‌های غیررسمی در عرصه بین‌المللی، به نظر می‌رسد ایدئولوژی‌ها و هنجارهای متمایز نظام‌های سیاسی مختلف موجبات اتهام‌زنی و امنیتی‌سازی چنین موضوعاتی را فراهم می‌نماید. حقوق بشر موضوعی است برگرفته از ایدئولوژی و ارزش‌های کنشگران بین‌المللی؛ بر این اساس این مقوله مبنایی سیال از منظر نظری و معنایی خواهد داشت و این مقوله در مورد بازیگرانی از جمله جمهوری اسلامی ایران با نگاه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، پیامدها و تحلیل‌های متفاوتی به دنبال خواهد داشت. پرونده حقوق بشری ایران، در واقع حاصل یک تفسیر ناهمگون از یک مسأله است. در واقع بنیان‌های حقوق بشر در غرب و ایران روزهای متفاوتی را پشت سر گذارده‌اند. یکی از دل‌نظریات اندیشمندان و دیگری برگرفته از اسلام. حال باید توجه داشت که بار معنایی حمل شده بر این دو نوع از حقوق بشر، شاکله رفتاری خاصی را در پی خواهد داشت که در نهایت همین رفتارهای غیرهمگون، این اجازه را به غرب خواهد داد که جمهوری اسلامی ایران را مورد بازخواست قرار دهد. حمل واژه «متهم» بر کشور ایران، فشارهای مضاعفی را بر ایران خواهد داشت و همین فشارهاست که پرونده ایران را در زمره روندهای امنیتی‌شده قرار خواهد داد. در این میان کشور آمریکا با توجه به اختلافات چند دهه‌ای با ایران که بیشتر معنا و چارچوبی هویتی هم داشته، بیشتر از سایرین در صدد امنیتی‌ساختن موضوعات حقوق بشری در ایران

می‌باشد. حال با روی کار آمدن دونالد ترامپ، آمریکا با جدیت بیشتری به دنبال امنیتی‌سازی پرونده حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. اما در زمان ترامپ یک شیفت رفتاری در سیاست خارجی آمریکا ایجاد شده است، هر چند که پیش از این هم شاهد چنین رفتارهایی بوده‌ایم اما در زمان ترامپ حقوق بشر در سیاست خارجی ترامپ چنین جایگاهی دارد؛ «اول آمریکا، بعد ارزش‌ها». در کنار ایالات متحده، سایر بازیگران همچون اتحادیه اروپا در جهت متهم ساختن ایران به نقض قوانین و هنجارهای حقوق بشری گام بر می‌دارند. به نظر می‌رسد این مقوله همچنان در قالب یک سند راهبردی در دستور کار غرب قرار گیرد و تا زمانیکه ایدئولوژی‌های مختلف به چارچوب‌های حقوق بشری معنا و مفهوم ببخشند استمرار خواهد داشت. آنچه در مقابل ضروری است از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دستور کار راهبردی مورد توجه قرار گیرد این است که اولاً تلاش گردد همواره تهدیدات و فشارهای غرب در حوزه حقوق بشر به عنوان جزئی از کلیت مشکلات و مسائل سیاسی شده غرب با ایران تبیین و تحلیل گردد. ادله‌های اثبات این موضوع در قالب تقابل نرم رسانه‌ای می‌تواند در قالب یک راهبرد مشخص مورد توجه قرار گیرد. ثانیاً، همواره نظام‌های متفاوت معنایی جمهوری اسلامی ایران و غرب منعکس کننده تضادهای بنیادین عملکردی در حوزه حقوق بشر بوده است و این مساله در قالب رسانه‌ای و سایر شاخص‌های قدرت نرم قابل توضیح است؛ نگاه‌های سطحی و کلیشه‌ای به این حوزه این بحث را همچون گذشته در چارچوبی سیاسی و سنتی باقی می‌گذارد. ثالثاً، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با نگاهی راهبردی موفقیت‌ها و تلاش‌های مستمر خود در زمینه‌های مختلف حقوق بشری غیر از آنچه غرب به عنوان ابزاری سیاسی به آن می‌نگرد را برجسته سازد. در بطن نگاه‌های انسانی و اخلاقی در جامعه ایران همواره نگاه‌های برجسته حقوق بشری به چشم می‌خورد که به نوعی مغفول مانده و برجسته‌سازی نشده است، ضروری است در این حوزه توجه ویژه صورت گیرد.

منابع

الف - فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲.
- آقایی، سیدداود و براتی، رضا، (۱۳۸۹)، «تأملی بر سیاست خارجی حقوق بشری آمریکا (با نگاهی به سیاست آمریکا در قبال ایران)»، فصلنامه سیاست، بهار دوره ۴۰، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و قرشی، سید یوسف، (۱۳۹۱)، «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۵۸.
- ذاکریان، مهدی، (۱۳۸۹)، «ایران و جهان‌شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر»، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۳.
- سادات اخوی، سیدعلی و حسینی اکبرنژاد، حوریه، (۱۳۸۸)، «اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال سی‌ونهم، شماره ۴.
- سازمان ملل متحد، (۱۳۷۴)، واقعیت‌های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه: قدرت‌الله معمارزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب سرا.
- ستوده، محمد و ایبا، حمید، (۱۳۹۱)، «مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی، سال سوم، شماره ۱۷.
- سجادی‌پور، سیدمحمد کاظم و محمدی، فاطمه، (۱۳۹۱)، «حقوق بشر و سیاست خارجی: چارچوب مفهومی و عملیاتی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۳.
- سیمیر، رضا، (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲.
- صالحی، سیدجواد و دهقان، مجتبی، (۱۳۹۴)، «صورت‌بندی گفتمانی حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره ۱.
- صدیقی، احمد، (۱۳۹۳)، «ایرادهای حقوق بشر غربی»، اندیشکده برهان، شماره آذرماه.

- طالبی، محمد حسین و طالبی، علی، (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نظریه‌های موجه‌ساز حقوق بشر در غرب و اسلام»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۲.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عنان، کوفی، (۱۳۷۶)، «سخنرانی دبیرکل سازمان ملل به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در دانشگاه تهران»، تهران: نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران.
- قاسمی، مهدی، (۱۳۷۸)، «منشا مشروعیت حکومت اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره پنجم.
- قنبری نژاد اصفهانی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، «ایران چگونه ناقض حقوق بشر شد»، اندیشکده برهان، شماره آذرماه.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۸)، «عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: یک ارزیابی از تعامل دوجانبه»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۴.
- محسنی، سجاد، صالحی، علیرضا، (۱۳۹۰)، «اهداف آمریکا از امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران (با نگاهی به مکتب کپنهاگ)»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۹)، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- مهرپور، حسین، (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران، (۱۳۷۶)، کنفرانس جهانی حقوق بشر: اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- الوندی، زهرا و کیانی، داوود، (۱۳۹۳)، «سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (از ۲۰۰۸ تا کنون)»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل (علوم سیاسی و روابط بین‌الملل)، دوره ۷، شماره ۲۸.

- هرسیچ، حسین و فتاحی، احمد، (۱۳۸۹)، «امنیت به مثابه مفهومی وابسته و منازعه‌انگیز»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۱.
- یزدان‌فام، محمود، (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره ۴.

ب- انگلیسی

- Annan, Kofi, (1997), "Strengthening United Nations Action in the Field of Human Rights", Spring, *Prospects and Priorities Harvard Human Rights Journal*, Vol. 10.
- Bigo, Didier, (2002), *Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease, Alternatives*, Institut des Etudes politiques, Paris, and Editor of *Cultures and Conflicts*, 27 rue Saint Guillaume, Paris 75007, France, Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/03043754020270S105>.
- Boyle, Kevin, (1998), *Questioning the Universal Relevance of the Universal Declaration of Human Rights*, University of Cyprus, Nicosia, Available at: <https://www.corteidh.or.cr/tablas/r26749.pdf>.
- *European Parliament Resolution on the EU Strategy towards Iran (2014/2625(RSP)) – B7-0279/2014*. Cited in: www.europarl.europa.eu/sides/Doc.do?type=MOTION&reference=B7-2014-0279&language=EN, 4.21.2014.
- Friis, Karsten, (2000), From Liminar to others: Securitizations Through Myths, *A Journal of Network of Peace and Conflict Studies*, Peace and Conflict Studies, Vol. 7, No. 2.
- Katzman, Kenneth, (2014), "Iran: U.S Concerns and Policy Responses", United States of America: Washington, D.C, Congressional Research Service, Accessible in: https://www.everycrsreport.com/files/20141001_RL32048_048afab0f30e1ffb882a45cbe7840c0.2ce9684eb.pdf.
- Moler, Bjorn, (2000), *The Concept of Security: The Pros and Cons of Expansion and Contradiction*, Copenhagen Peace Research, August 2000, Accessible in: <http://www.Ciaonet/wps/moboi/index.html>.
- Morphet, Salley, (1993), The Non Aligned in the New World order: *The Jakarta International Relations*, Vol. 11.

- *New Executive Order Targeting Iranian Officials Responsible for or Complicit in Serious Human Rights Abuses*, Available at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2010/09/148345.htm>.

- *New U.S Visa Restrictions on Iranian Officials for Human Rights Abusers*, Available at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2011/07/167901.htm>.

- Sudre, Frederic, (1995), *La protection des droits de homme des nations un Montpellier: Institut de droit europeen des droits deL home*.

- Tzogopoulos, George, (2004), "The Evolution of US and EU Foreign Policy towards Iran with Emphasis on the Period after 11 September 2001", May, at: <http://www.iehei.Org/bibliotheque/TZOGPOULO S.pdf>.

- Vilian Duran, Carlos, (1998), "Lights and shadows of the new United Nations Human Rights Council", *The International Journal of Human Rights*, Available at: <https://sur.conectas.org/en/lights-shadows-new-united-nations-human-rights-council>.

- Williams, Michael C, (2003), "Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics", *International Studies Quarterly*, Vol. 47, No. 4.

Website

- <http://www.iranpressnews.com/source/188282.htm>.
- <http://www.isna.ir/news/95102716900>.
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/11/22/1323669>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی